

## ازدواج دختران امام کاظم 7

مصطفی صادقی کاشانی

### چکیده

گفته می‌شود دختران امام کاظم 7 ازدواج نکردند. این به دلیل وصیت آن حضرت بود. منشأ این سخن، گزارشی از یعقوبی مورخ است که در این مقاله به نقد و بررسی آن می‌پردازیم. آن‌گونه که از مجموع گزارش‌های تاریخی و روایات منابع اسلامی برمی‌آید، می‌توان سخن یعقوبی را تأیید کرد؛ هر چند امام معصوم بر خلاف سنت نبوی وصیت نفرموده، بلکه آن حضرت بر اساس روایتی، به ازدواج کردن فرزندانش تأکید می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** امام کاظم 7، دختران، ازدواج، وصیت.

### مقدمه

ازدواج از سنت‌هایی است که در اسلام بر آن تأکید شده و همه بزرگان به ویژه معصومان و شخص رسول خدا 9 به آن پای‌بند بودند و خود و خانواده‌شان به این سنت عمل کردند. امام کاظم 7 تنها امامی هستند که درباره ازدواج فرزندان ایشان تردیدهایی وجود دارد که به رغم کثرت فرزندان دختر و پسر، برخی تاریخ‌نویسان از شوهر نکردن دختران آن حضرت خبر داده‌اند. این خبر، منشأ گفت‌وگو و ردّ و قبول‌هایی توسط نویسندگان شده است.

تحقیق حاضر، در پی بررسی این موضوع است با این سؤال که چه شواهدی بر درستی یا نادرستی این گزارش وجود دارد؟

این نوشتار، در موضوع خود دارای پیشینه است، اما به گمان نگارنده، این بررسی‌ها کافی نیست و نگاهی که نوشته حاضر دارد با آن‌ها متفاوت است. مقاله‌ای با عنوان «سبب ترک ازدواج دختران موسی بن جعفر 8» اثر سیدعباس رفیعی پور علویجه در مجموعه مقالات کنگره حضرت معصومه 3<sup>1</sup> و بخشی کوتاه از مقاله «معصومه آلرسول» نوشته فاطمه غفاریا در همان مجموعه مقالات<sup>2</sup> وجود دارد که هر دو به صراحت سخن یعقوبی مورخ را رد کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد دلایل آنان برای رد وی کافی نیست. برخی کتاب‌هایی که درباره زندگانی امام هفتم نوشته شده نیز به مناسبت فرزندان آن حضرت، به این موضوع اشاره‌ای کوتاه دارند. در فضای مجازی نیز پاسخ‌هایی به این پرسش داده شده که غالباً منشأ واحدی دارند و این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازد.

هدف از این تحقیق، کمک به حل پرسشی درباره زندگانی ائمه است. چون بخشی از زوایای رفتاری آنان و خانواده‌هایشان، هم‌چنان جای سؤال و بررسی دارد و ضرورت نشان دادن رفتار آن بزرگواران به عنوان الگوی زندگی، نیازی است که این تحقیق‌ها را ضروری می‌نماید.

در این نوشتار، ابتدا به بیان اقوال و گزارش‌هایی می‌پردازیم که درباره ازدواج دختران امام هفتم وجود دارد و در قسمت دوم، به دنبال شواهدی می‌گردیم که به اثبات یا نفی این روایت‌ها کمک کند. در بحث سوم تلاش خواهد شد تحلیلی از مجموع اخبار و گزارش‌ها ارائه شود.

---

۱. ج ۱، ص ۴۱۷-۴۳۳.

۲. ج ۴، ص ۹۵-۹۷.

## الف) گزارش‌ها

درباره ازدواج دختران امام کاظم ۷ سه دسته گزارش یا روایت وجود دارد: نخست سخن یعقوبی است که می‌گوید: «امام وصیت فرمود دخترانش ازدواج نکنند و آنان هم شوهر نکردند.» دوم گزارش کتاب تاریخ قم است که می‌گوید: «آنان ازدواج نکردند.» سوم وصیت‌نامه امام کاظم ۷ است که ازدواج دخترانش را مشروط به اجازه امام رضا ۷ می‌کند.

یعقوبی نخستین کسی است که گزارش ازدواج نکردن دختران امام کاظم ۷ را آورده و سخن او منشأ اصلی این بحث است. همه کسانی که این موضوع را نقل کرده‌اند، مستقیم یا با واسطه از وی روایت می‌کنند. یعقوبی هنگام یاد کردن از فرزندان حضرت می‌نویسد:

او وصیت کرد دخترانش ازدواج نکنند. پس هیچ‌یک ازدواج نکردند مگر ام‌سلمه که در مصر به قاسم بن محمد [دیباج] بن جعفر [صادق] شوهر کرد. این ازدواج، سبب نزاعی میان دو خانواده شد و شوهر، قسم یاد کرد که جامه از آن دختر دور نکند و هدفش از این ازدواج، فقط آن بوده که ام‌سلمه را به حج ببرد.<sup>۱</sup>

یعقوبی از قدیم‌ترین تاریخ‌نگاران اسلامی است که وفات او را حدود سال ۲۹۰ هجری ذکر می‌کنند. (۲۸۴ یا زنده در سال ۲۹۲). درباره گرایش مذهبی وی، تقریباً بر تشیع، بلکه امامی بودن او اتفاق نظر وجود دارد. البته شیوه تاریخ‌نگاری وی بر سبک معمول مورخان اهل سنت یعنی گزارش تاریخ سیاسی و رویدادهای خلافت است.

---

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۵.

دومین کتابی که درباره این موضوع به صراحت سخن گفته، تاریخ قم است که در آن می‌خوانیم:

به من رسیده است که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند؛ زیرا که کسی که همسر و هم‌کفو ایشان بوده باشد، نمی‌یافتند و موسی بن جعفر 7 را ۲۱ دختر بوده است و از این جهت هیچ یکی را از ایشان به شوهر نداده است تا غایتی که این معنی در میان دختران ایشان عادت شده است و محمد بن علی الرضا به شهر مدینه ده دیه وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده‌اند و از ارتفاعات آن دیه‌ها، نصیب و قسط رضائیه که به قم ساکن بوده‌اند، از مدینه جهت ایشان آورده.<sup>۱</sup>

متن اصلی تاریخ قم که به زبان عربی بوده و در قرن چهارم نوشته شده، امروزه در دست نیست و آنچه نقل شد، از ترجمه این کتاب است که در قرن نهم نگاشته شده است.

کاوش در منابع روایی و کتب تاریخ اسلام و ائمه و به ویژه انساب طالبیان، جز این دو مورد را به دست نمی‌دهد. اما متأخران و معاصرانی که از این موضوع سخن می‌گویند، همه از یعقوبی نقل می‌کنند<sup>۲</sup> و دیده نشده کسی به تاریخ قم ارجاع دهد.

سند مهم دیگری که به ازدواج دختران امام کاظم 7 اشاره دارد، وصیت‌نامه آن حضرت است که در دو کتاب کافی و عیون الاخبار الرضا وجود دارد.<sup>۳</sup> ایشان در این وصیت، ازدواج دخترانش را به فرزندش امام رضا 7 می‌سپارند و تأکید می‌کنند که غیر از امام رضا 7 کسی حق دخالت در امر ازدواج آنان را ندارد،

۱. تاریخ قم، ص ۲۲۱.

۲. احقاق الحق، ج ۲۸، ص ۵۸۵؛ مسند الامام کاظم، ج ۱، ص ۱۸۰؛ حیات الامام موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۵.

چون وی به امر ازدواج خانواده‌اش آگاه‌تر است.<sup>۱</sup> حضرت در ادامه می‌فرماید:  
 هر یک از همسرانم شوهر کنند، حق بازگشت ندارند مگر آن‌که علی  
 بخواهد؛ دخترانم هم این‌گونه‌اند.<sup>۲</sup>  
 وصیت دیگری در این دو کتاب هست که شباهت زیادی به وصیت پیشین  
 دارد.<sup>۳</sup> در این متن هم به نقل از امام می‌خوانیم:  
 اگر یکی از دخترانم ازدواج کرد، در اموال من حقی نخواهد داشت، مگر  
 آن‌که به خانه پدر برگردد. ضمناً فرزندان دختری‌ام در این اموال حقی  
 ندارند.<sup>۴</sup>

مطلب جالب توجه این‌که آنچه از وصیت‌های ائمه در دست است، از امام  
 کاظم 7 نقل شده و کلینی آن‌ها را در باب «صدقات النبی و فاطمه و الائمه و  
 وصایاهم» آورده است.<sup>۵</sup>  
 آنچه امام کاظم 7 درباره دختران خود فرموده، در وصایای دیگر ائمه به  
 چشم نمی‌خورد تا بتوان درباره آن مقایسه یا تطبیقی انجام داد.

### (ب) شواهد نفی یا اثبات

بهترین راه برای بررسی این موضوع، مراجعه به گزارش‌هایی است که درباره  
 ازدواج دختران امام کاظم 7 وجود دارد. با توجه به تعدد دختران آن حضرت،

۱. «و إن أراد رجل منهم أن يزوجه فليس له أن يزوجه إلا بإذنه و أمره، فإنه أعرف بمناكح قومه...»  
 ۲. «و بناتی بمثل ذلك ولا يزوجه بناتی أحد من إخوانهن من امهاتهن و لا سلطان و لا عم إلا برأيه (عیون: و  
 لا عمل لهن الا برأيه) و مشورته، فان فعلوا غیر ذلك فقد خالفوا الله و رسوله و جاهدوه فی ملكه و هو  
 أعرف بمناكح قومه، فان أراد أن يزوجه، زوج و ان أراد أن یترك ترك.»  
 ۳. کافی، ج ۷، ص ۵۴؛ عیون‌الخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۸.  
 ۴. «فان تزوجت امرأة من ولد موسی بن جعفر فلا حق لها فی هذه الصدقة حتی ترجع إليها بغیر زوج، فإن  
 رجعت كان لها مثل حظ التي لم تتزوج من بنات موسی... و لیس لولد بناتی فی صدقتی هذه حق إلا أن  
 یکون أبأؤهم من ولدی.»  
 ۵. کافی، ج ۷، ص ۴۷.

اگر گزارش‌هایی از شوهران یا فرزندان آنان یافت شود، خبر یعقوبی نقض خواهد شد. مراجعه به آثاری که فرزندان حضرت را شمارش کرده‌اند، جز نام آن‌ها مطلبی به دست نمی‌دهد. برای نمونه، از کتب تاریخ و انساب به چند اثر اشاره می‌شود:

شیخ مفید در پایان زندگانی امام کاظم 7 ذیل باب «عدد اولاده و طرف من أخبارهم» می‌نویسد:

آن حضرت ۳۷ فرزند داشت: فاطمه کبرا، فاطمه صغرا، رقیه، حکیمه، ام‌ایها، رقیه صغرا، کلثم، ام‌جعفر، لبابه، زینب، خدیجه، علیّه، آمنه، حسنه، بریهه، عایشه، ام‌سلمه، میمونه و ام‌کلثوم که مادران همه این‌ها کنیز بودند.<sup>۱</sup>

شیخ مفید سپس آگاهی‌هایی درباره فرزندان امام هفتم ارائه می‌دهد، اما به دختران آن حضرت یا ازدواج آن‌ها یا شوهرانشان اشاره‌ای نمی‌کند. به طور کلی، شیوه وی همین است که در پایان زندگی هر امام، بخشی را به فرزندان او اختصاص می‌دهد و درباره مهم‌ترین فرزندان امام مطالبی را بیان می‌کند. این مطالب در کتاب‌های اعلام‌الوری و کشف‌الغمه هم آمد است.<sup>۲</sup>

پیش از این در کتاب تاریخ اهل‌البیت که گاه به ابن‌ابی‌ثلج و گاه به جهضمی یا دیگران نسبت داده می‌شود، نام پانزده نفر از دختران امام آمده و تفصیل و توضیحی درباره آنان داده نشده است.<sup>۳</sup> مورخان و محدثان دیگر مانند طبرسی، ابن‌جوئی و اربلی هم فقط نام دختران امام را آورده‌اند.<sup>۴</sup>

از نسب‌شناسان، ابونصر بخاری، امام کاظم 7 را صاحب ۲۲ دختر می‌داند، اما

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۳۶؛ تذکره‌الخواص، ص ۳۱۵؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۷۴۶ و ۷۴۷.

۳. تاریخ اهل‌البیت، ص ۱۰۷.

۴. مجموع اقوال درباره فرزندان امام کاظم، نک: مسند الامام الکاظم، ج ۱، ص ۱۷۷ به بعد؛ هم‌چنین رساله فی تواریخ النبی و الآل، ص ۸۵.

نامی از هیچ‌یک نمی‌برد و سخنی درباره دختران بیان نمی‌کند.<sup>۱</sup> ابن‌صوفی، آن حضرت را دارای ۲۲ پسر و ۳۷ دختر دانسته و از آنان نام برده است.<sup>۲</sup> البته در غالب کتب انساب مانند جمهره، الفخری و عمدہ الطالب، نامی از دختران امام نیست؛ چون نسب‌نویسان در صدد بیان نسل و نسب افراد هستند و این موضوع، جز با اشاره به فرزندان پسر محقق نمی‌شود؛ از این رو، انتظار نمی‌رود که از دختران ائمه یاد کنند.

اکنون از گزارش‌هایی که درباره ازدواج دختران امام وجود دارد، سخن می‌گوییم:

۱. نخستین مورد همان است که یعقوبی در ادامه نفی ازدواج دختران امام به آن اشاره کرده است. وی می‌گوید: «ام‌سلمه با قاسم‌بن محمد در مصر ازدواج کرد.» منظور وی قاسم، مشهور به طیب پسر محمد دیباج است و محمد دیباج فرزند امام صادق ۷؛ بنابراین ام‌سلمه با پسر عموی خود عقد بست تا از مصر به مکه برود. گزارش عقد این دو نفر در جای دیگری یافت نشد. جست‌وجو درباره فرزندان قاسم و نام مادر آنان هم کمکی به این بحث نمی‌کند؛ زیرا مورخان و نسب‌شناسان از همسر وی یا مادر فرزندانش یاد نکرده‌اند.

۲. فخر رازی می‌نویسد: «هرویه گمان کرده‌اند که مادر جعفرالملک بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر اطرف، زینب دختر موسی بن جعفر بوده است.»<sup>۳</sup> ظاهراً منظور از هرویه، اهل هرات است. جعفرالملک که نسب او به عمر اطرف فرزند امام علی ۷ می‌رسد، از حجاز به هند گریخت و در آنجا با استقبال مردم روبه‌رو شد و در مولتان هند به حکومت رسید و نسل او در آن دیار مشهورند.<sup>۴</sup>

۱. سرالسلسله العلویه، ص ۳۶.

۲. المجدی، ص ۲۹۸.

۳. الشجره المبارکه، ص ۲۰۶.

۴. همان، ص ۲۰۸؛ عمدہ الطالب، ص ۳۳۵.

سخن فخر رازی درباره همسری زینب با پدر جعفرالملک جای دیگری یافت نشد و او هم با تردید، عبارت «زعم الهرویه» را نقل کرده که گویا برای خودش هم ثابت نبوده است.

۳. در کتاب اخبارالزینبات، منسوب به یحیی بن حسن عبیدلی نسابه، فاطمه دختر امام کاظم 7 با کنیه ام‌الذریه، همسر قاسم بن محمد دانسته شده که همراه پدر و مادرش به مصر نزد احمد بن طولون رفت.<sup>۱</sup> منبع این سخن معتبر نیست.

مرحوم شوشتری می‌گوید: «کتاب اخبارالزینبات که به یحیی بن حسن علوی (م ۲۷۷) نسبت داده می‌شود، ساخته معاندان و مشتمل بر مطالبی نادرست است.»<sup>۲</sup> هم‌چنین مقاله‌ای به بررسی این کتاب پرداخته و نویسنده پس از بررسی آن از زوایای گوناگون، انتساب کتاب را به عبیدلی نادرست می‌داند و می‌نویسد: «ظاهراً این کتاب توسط کسانی ساخته شده که خواسته‌اند مزار زینب کبرا 3 را در مصر نشان دهند»؛<sup>۳</sup> زیرا این کتاب، منبع اصلی برای وجود مرقد حضرت زینب در مصر است.<sup>۴</sup> اخبارالزینبات نخستین بار در سال ۱۳۳۳ توسط سیدحسن محمد قاسم مصری در کشور مصر، ضمن رساله‌ای درباره حضرت زینب 3 منتشر شد<sup>۵</sup> و سپس شهرت یافت و مکرر چاپ شد. فهرست‌نویسانی که از یحیی بن الحسن علوی عبیدلی یاد کرده‌اند، نامی از این کتاب نبرده‌اند.<sup>۶</sup>

این مطلب به این شکل در جای دیگری یافت نشد. البته سخاوای از قبر ام‌الذریه همسر قاسم‌الطیب در مصر سخن می‌گویند، اما از این‌که او دختر

۱. اخبارالزینبات، ص ۱۳۲.

۲. قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۳۸.

۳. سیدحسن فاطمی، بررسی اعتبار کتاب اخبارالزینبات، مجله کتاب‌های اسلامی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴.

۴. موسوعه کربلا، ج ۲، ص ۶۴۵؛ بررسی اعتبار کتاب اخبار الزینبات.

۵. نک: مقدمه کتاب الذریعه، ج ۱، ص ۳۳۲.

۶. نک: رجال نجاشی، ص ۴۴۱؛ فهرست طوسی، ص ۵۰۵.



امام کاظم 7 است حرفی نزده، بلکه می‌نویسد:

و بالتربه ايضاً قبر السيده أم الذريه زوجه القاسم الطيب و هي تحت القبه الى جانب قبر ولدها كانت من الزاهدات العابدات وهي مذكوره فى طبقات الاشراف.<sup>۱</sup>

بنابراین قبری منسوب به همسر قاسم بن محمد در مصر هست، اما این که او دختر امام کاظم 7 باشد دلیل روشنی ندارد. از طرفی، روشن نیست سخاوی (در گذشته در اواخر قرن نهم)، این مطلب را از نسخه منسوب به عبیدلی گرفته یا نسخه اخبارالزینبات از کتاب سخاوی استفاده کرده است. احتمال دیگر این که منشأ این اقوال همان گزارش یعقوبی است و منظور از ام‌الذریه، معنای لغوی آن است یعنی مادر فرزندان قاسم؛ به خصوص که چنین کنیه‌ای نه تنها در ردیف دختران امام هفتم ذکر نشده، بلکه در میان عرب هم معمول نبوده و مشابه آن در نام‌های زنان یافت نشد!

در هر صورت هیچ‌یک از این دو منبع برای اثبات اینکه همسر قاسم‌الطیب، دختر امام هفتم بوده است، کافی نیست.

۴. هم‌چنین در کتاب اخبارالزینبات آمده که زینب دختر امام کاظم 7 همراه شوهرخواهرش قاسم بن محمد بن جعفر الصادق به مصر هجرت کرد.<sup>۲</sup> البته مؤلف کتاب، این مطلب را این‌گونه آورده که: «جدم گفت گمان می‌کنم زینب دختر موسی بن جعفر 8 به مصر هجرت کرده است».<sup>۳</sup> گویا این مطلب بر اساس گزارش یعقوبی و با توجه به آن تنظیم شده است.

البته زیارتگاهی منسوب به زینب دختر امام کاظم 7 در اطراف اصفهان پیدا

۱. تحفه‌الاجاب، ص ۲۱۱؛ و به نقل از او: اعلام‌النساء، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲. اخبارالزینبات، ص ۱۳۳.

۳. همان.

شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد منبع این سخن هم اعتباری ندارد.<sup>۱</sup>

۵. یاقوت حموی می‌گوید: «در قرافه مصر، قبری منسوب به آمنه دختر موسی بن جعفر وجود دارد.»<sup>۲</sup> کتاب المجدی هم از وجود این قبر خبر داده است.<sup>۳</sup> اما هیچ‌یک از این گزارش‌ها، به ازدواج آنان یا فرزندانشان اشاره نکرده‌اند.

۶. نسب‌شنایان می‌گویند: جعفر بن عبید الله بن امام کاظم، مشهور به ابن امّ کلثوم است. منظور از ام کلثوم دختر امام کاظم است 7 زیرا جعفر در دامان عمه‌اش ام کلثوم رشد یافت و این زن به منزله مادرش بود.<sup>۴</sup> پس این نسبت هم دلیلی بر ازدواج نیست، بلکه فرزند برادر را بزرگ کرده است.

۷. طبری ذیل رویدادهای سال ۲۳۱ قمری، نقل می‌کند که ام‌اینها دختر موسی بن جعفر 8 در این سال از دنیا رفت.<sup>۵</sup> مورخان بعدی مانند ابن‌اثیر و ابن‌کثیر نیز این مطلب را به نقل از طبری آورده‌اند.<sup>۶</sup> اما هیچ‌یک توضیح بیشتری درباره وی نداده‌اند. این پرسش هم وجود دارد که چگونه از بین آن همه دختران امام کاظم 7 فقط مرگ ام‌اینها ثبت شده است؟ آیا وی ویژگی‌ای داشته یا از آن‌جا که این مورخان غالباً به ثبت تاریخ سیاسی می‌پردازند، ام‌اینها مانند برادرانش نقشی در رویدادهای سیاسی داشته است؟

۸. گفته‌اند حکیمه دختر امام کاظم 7 قابله امام جواد 7 بود.<sup>۷</sup> در جاهای دیگری مانند شهادت امام جواد 7 هم از او نام برده می‌شود.<sup>۸</sup> اما در این روایت، توضیح دیگری درباره شخصیت و خانواده وی نیست.

۱. بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم 7، ص ۲۶۱.

۲. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲.

۳. المجدی، ص ۲۹۸؛ تحفه الاحباب، ص ۲۰۶؛ اعلام النساء، ج ۱، ص ۱۷.

۴. المجدی، ص ۲۹۹ و ۳۰۶.

۵. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۴۵.

۶. الکامل، ج ۷، ص ۲۶؛ البدایه و النهایه؛ ج ۱۰، ص ۳۰۷.

۷. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۴؛ الدرالنظیم، ص ۷۰۳.

۸. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۴.

۹. ابن فندق، مادر حسین بن محمد بن حسین بن عیسی بن زید را دختر امام کاظم ۷ دانسته است.<sup>۱</sup> اما این مطلب خبری واحد است که در منبع دیگری نیامده و ابن فندق هم با اطمینان از آن خبر نداده است، بلکه می‌گوید: «چنین گویند که مادر او دختر موسی کاظم ۷ بود». بنابر اعتمادی به این سخن نیست.

۱۰. در روایات از شخصی به نام «هاشمیه مولاہ رقیه بنت موسی» یاد شده است.<sup>۲</sup> در این جا نیز نام یکی از دختران امام کاظم ۷ آمده، اما می‌دانیم که وجود مولا برای زن، ارتباطی با ازدواج او ندارد.

۱۱. در فروع فقهی، پرسشی از امام رضا ۷ درباره خواجگان شد. آن حضرت فرمود: «این گونه افراد بر دختران امام کاظم ۷ وارد می‌شدند در حالی که آنان پوششی نداشتند.»<sup>۳</sup> قطع نظر از صحت و سقم خبر و بحث فقهی آن، این جا هم نامی از دختران امام برده شده و نامی از خانواده و شوهران در آن وجود ندارد. آنچه گفته شد، همه اخبار یا گزارش‌هایی است که درباره دختران امام کاظم ۷ یافتیم و گمان بر این است که جز این، مطلبی درباره آنها وجود ندارد. این شواهد، هیچ‌یک دلیلی بر وجود همسر یا ازدواج یکی از دختران نیست؛ زیرا برخی از آنها اساساً ازدواجی را گزارش نمی‌کنند و برخی هم که بر ازدواج دلالت دارند، از نظر منبع ضعیف هستند.

### ج) تحلیل و بررسی

اکنون چند دسته مطلب در اختیار ماست:

اول آن‌که یعقوبی به صراحت، ازدواج دختران امام کاظم ۷ را منتفی و علت آن را وصیت پدرشان می‌داند.

۱. تاریخ بیهق، ص ۲۸۵.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳. عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۹؛ کافی، ج ۵، ص ۵۳۲.

دوم، وصیت‌نامه آن حضرت در کافی و عیون الاخبار، ازدواج آنان را به اجازه امام رضا 7 مشروط کرده و البته نسبت به اصل آن نهی یا منعی نفرموده است. سوم، گزارش‌های مستقیم یا غیرمستقیم از همسری دختران امام با برخی افراد است. منظور از مستقیم آن‌که صریحاً سخن از ازدواج زده شده و منظور از غیرمستقیم، اشاره به فرزندی از ایشان است. از این مطلب نتیجه گرفتیم که هیچ گزارشی از ازدواج یکی از دختران امام یا وجود فرزندی برای یکی از ایشان، قابل اعتماد و اعتبار نیست.

در بررسی و تحلیل این اقوال و روایات، می‌توان گفت که امام کاظم 7 بر اساس سیره مشخص معصومان و تأکید اسلام بر این سنت، از ازدواج دخترانش منع نکردند. فقط در وصیت‌نامه، شرطی برای این ازدواج‌ها قرار دادند که این شرط مخالفتی با قرآن و سنت ندارد. اما آنچه اتفاق افتاد، ازدواج نکردن آن‌ها بود.

آنچه باقی می‌ماند، سخن یعقوبی و علت ازدواج نکردن آن‌هاست. تصور بر این است که یعقوبی در نقل مطلب، قدری به خطا رفته باشد. امام وصیت فرمود که دخترانش جز با اجازه امام رضا 7 شوهر نکنند ولی اوضاع به گونه‌ای شد که آنان شوهر نکردند. این تصریح وصیت امام نیست، بلکه از آن برداشت شده است. گویا مشروط کردن ازدواج دختران به اذن برادرشان، این نتیجه را در پی داشته است. تصور این‌که یعقوبی همین مطلب را با تفاوت و قدری خطا نقل کرده، شواهدی است که نشان می‌دهد وی روایاتی از محافل امامیه گرفته، در حالی که دیگر مورخان این اخبار را نیاورده‌اند؛ مثل سخنی از ابوذر که بر اساس عقاید شیعه امامیه است و دیگران به ندرت آن را گفته‌اند. او با اشاره به آیه ۳۳ آل عمران (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) و تجلیل از امام علی 7، آن حضرت را وصی حضرت محمد 9 و وارث علم او می‌داند و می‌گوید: «اگر آن‌که را خدا خواسته بود انتخاب می‌کردید... دو نفر

اختلاف نمی‌کردند.<sup>۱</sup> این مطلب در دیگر کتب تاریخ سیاسی صدر اسلام یافت نشد ولی در منابع شیعه هست. مورد دیگر سخن مالک اشتر هنگام بیعت با امیر مؤمنان ۷ است: «هذا وصی الأوصیاء، و وارث علم الأنبياء.»<sup>۲</sup> این هم به منابع شیعی اختصاص دارد. جویریة بن مسهر از مبعوضان بنی‌امیه بود که به دلیل تشیع کشته شد. یعقوبی تنها مورخی است که از او به تصحیف نام می‌برد.<sup>۳</sup> این نمونه‌ها، به خوبی نشان می‌دهد که این مورخ شیعی امامی، این روایات را متأثر از منابع و محافل علمی و حدیثی امامیه نقل کرده است. از سوی دیگر ذکر نکردن اسناد، هم‌چنین تحریف و تصحیف‌ها در کتاب یعقوبی و اشکالات ناشی از منحصر بودن نسخه آن، این احتمال را تقویت می‌کند که وی مطلبی جز آنچه در وصیت امام کاظم بود، در نظر نداشته است.

دقت در دو عبارت و نزدیک بودن آن‌ها به یک‌دیگر، احتمال این خطا را تأیید می‌کند:

۱. تاریخ یعقوبی: «أوصی موسى بن جعفر ألا تتزوج بناته».

۲. وصیت‌نامه امام (در کافی و عیون‌الاجبار): «ولا یزوّج بناتی أحد من إخوتهن من امهاتهن و لا سلطان و لا عمّ (عمل لهن) إلا برأیه و مشورته، فان فعلوا غیر ذلك فقد خالفوا الله و رسوله و جاهدوه فی ملکه و هو أعرّف بمناکح قومه».

### علت ازدواج نکردن دختران امام

اگر آنچه گفتیم درست باشد و دختران امام کاظم ۷ ازدواج نکرده باشند، درباره علت این کار فرضیه‌ها و احتمالاتی قابل طرح است. البته آنچه به ذهن

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. همان، ص ۱۷۹.

۳. یعقوبی در کتاب تاریخ خود (ج ۲، ص ۲۱۴) از او نام برده، ولی به تصحیف حویزه گفته است.

می‌رسد بیش از فرضیه و احتمال نیست؛ زیرا دلایل محکمی همراه آن نیست<sup>۱</sup> تا بتوان آن را به منزله فرضیه‌ای علمی مطرح کرد.

فرضیه نخست: در وصیت امام بر نکته‌ای تأکید شده که می‌تواند راه‌گشا و کلیدی باشد. امام می‌فرماید: «اگر دختری ازدواج کرد، دیگر حقی در اموال پدر ندارد.» البته علت این امر بر ما پوشیده است و نمی‌دانیم چرا آن حضرت با وجود اموال فراوان، استفاده آن‌ها را برای دختران شوهردار خود منع فرمودند.

از وصیت‌نامه استفاده می‌شود که حساسیتی درباره ازدواج دختران آن حضرت، وجود داشته که ایشان چنین توصیه‌هایی فرمودند. این که فقط امام رضا 7 حق شوهر دادن آنان را دارد و این که اگر ازدواج کردند، حقی در اموال آن حضرت نخواهند داشت، مطالبی است که نشان‌دهنده خصوصیتی درباره ازدواج دختران آن حضرت است؛ در صورتی که فرزندان امام از کنیزان متعدد بوده‌اند و هر یک یا چند دختر، برادرانی از مادر جداگانه داشته‌اند که امور آن‌ها را سرپرستی کند. در هر صورت، گویا نتیجه‌ای که از این وصیت به دست آمد، این بود که دختران برای محروم نشدن از حقوق مادی و اموال منقول و غیر منقول پدر، به ازدواج تن ندهند.

فرضیه دوم: به فرض آنکه دختران امام از کنیزان متعدد به شمار آمده و هنگام شهادت آن حضرت، در کودکی یا سنین زیر بلوغ بوده‌اند، این احتمال هست که تا زمان شهادت امام رضا 7 یعنی بیست سال پس از شهادت پدرشان، سن آنان مقتضی ازدواج نبود و پس از شهادت برادرشان نیز خلاف وصیت صریح پدر عمل می‌شد، از این رو شوهر نکردند.

فرضیه سوم: شاید سخت‌گیری امام به علت برخی سوءاستفاده‌های مخالفان

---

۱. چون دست ما از گزارش‌ها و روایات در این‌باره کوتاه است.

حضرت بوده باشد. این فرضیه نیز بر این فرضیه مبتنی است که ثابت شود سفر حضرت معصومه 3 به طرف مرو، در پی خواستگاری مأمون از ایشان بود.<sup>۱</sup> این مطلب نیز در منابع معتبر و متقدم نیامده است تا بتوان بر آن اساس چنین گمانی را داشت. در این باره، دلایل دیگری هم ذکر شده که قابل نقد و گفت و گو است.<sup>۲</sup>

یکی سخن نویسنده تاریخ قم است که «رضائیه دختران خود را به شوهر نمی دادند؛ زیرا که کسی که همسر و هم کفو ایشان بوده باشد نمی یافتند». این دلیل نمی تواند درست باشد؛ چون در زندگی فرزندان ائمه قبل و بعد از امام هفتم چنین چیزی یافت نمی شود و حتی گاه آن ها با افرادی ازدواج کرده اند که از دشمنان یا دست کم مخالفان امامت اهل بیت : بوده اند. ازدواج دختران پیامبر 9 و امیرمؤمنان 7 با افرادی معلوم الحال ازدواج سکینه دختر امام حسین 7 با افرادی از خاندان زبیر به ویژه مصعب، نمونه کوچکی از عدم همتایی در فرهنگ و عقیده است.

دیگر این که گفته می شود خفقان و اختناق در عصر هارون، به حدی بود که کسی جرأت نداشت با دختران امام کاظم 7 ازدواج کند و دامادها در خطر شدیدی بودند.<sup>۳</sup> این مطلب هم از نظر تاریخی نمی تواند تأیید شود؛ زیرا اولاً ائمه شیعه پیوسته توسط حاکمان اموی و عباسی تحت نظر بوده و در وضعیت خفقان به سر می برده اند و هیچ گاه مسائل خانوادگی آنان تحت الشعاع این وضعیت قرار نگرفته است. ثانیاً اگر وضعیت خاص دوران امام کاظم 7 را بپذیریم، این وضعیت در مدت هفده سال امامت حضرت رضا 7 و حضور آن حضرت در

۱. سخن از خواستگاری حضرت معصومه 3 در کتاب های انوارالمشعین، ج ۲، ص ۲۷۵؛ گنجینه آثار قم،

ج ۱، ص ۳۸۴؛ انوار پراکنده، ص ۱۴۸، نقل و رد شده است.

۲. در فضای مجازی، این دو پاسخ به سؤال طرح شده، آمده است.

۳. حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۱۷.

مدینه (از سال ۱۸۳ یعنی سال شهادت پدر تا اواخر ۲۰۰ یعنی خروج به سمت مرو) وجود نداشت و اوضاع به گونه‌ای بود که آن حضرت بر خلاف معمول ائمه پیش از خود، حتی امامتش را اعلام کرد و تعجب شیعیانش را برانگیخت.<sup>۱</sup> ثالثاً خفقان و سخت‌گیری هر چه هم زیاد باشد، به گونه‌ای نیست که هیچ‌یک نتواند به این خاندان نزدیک شود و از حدود پانزده<sup>۲</sup> دختر امام، هیچ‌کدام نتوانند ازدواج کنند. اگر این‌طور است، خانواده پر جمعیت امام چگونه زندگی می‌کردند؟ به هر حال افرادی از فامیل و خویشاوندان نزدیک هستند که بتوانند با اینان وصلت کنند؛ در حالی که هیچ گزارشی از دستگیری یا سخت‌گیری نسبت به منسوبان امام یا خانواده ایشان دیده نشد.

### نتیجه

آگاهی‌های ما درباره اصل ازدواج دختران امام کاظم 7 کامل نیست و به تبع آن ازدواج نکردن ایشان، به روشنی معلوم و قابل اظهار نظر نخواهد بود. سخن یعقوبی در این‌باره صریح است و وصیت‌نامه امام نیز ابهام را برطرف نمی‌کند. از سوی دیگر، مراجعه به منابع تاریخی و روایی، خبری درست و مورد اعتماد از ازدواج ایشان به ثبت نرسانده است. اگر مقاله حاضر نتوانسته تحقیق و بررسی در این موضوع را به اتمام رساند، پیش‌درآمدی خواهد بود برای بررسی‌های بیشتر. ضمن آن‌که به این نکته توجه می‌دهد که سخن تاریخ‌نگارانی چون یعقوبی یا قمی، به راحتی قابل ردّ نیست و در نقد آن با استناد به برخی باورهای کلامی یا روایات مشهور نباید شتاب کرد.

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۲۵۵؛ اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۶۰.

۲. این کمترین رقمی است که برای دختران امام گفته‌اند.



## منابع

١. ابن ابى الثلج (م ٣٢٥)، تاريخ أهل البيت، قم: آل البيت، ١٤١٠ق.
٢. ابن الصوفى، محمد عمري علوى (م ٤٦٦)، المجدى فى أنساب الطالبين، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٢٢ق.
٣. ابن عنبه، جمال الدين احمد حسيني (م ٨٢٨)، عمده الطالب فى انساب آل ابى طالب، قم: مؤسسه انصاريان، ١٤١٧ق.
٤. ابن كثير دمشقى، ابولفداء (م ٧٧٤)، البدايه و النهايه، بيروت: دارالفكر، ١٣٩٨م.
٥. اربلى، على بن عيسى (م ٦٩٢)، كشف الغمه، قم: نشر رضى، ١٤٢١ق.
٦. بخارى، ابونصر، سراسله العلويه، قم: نشر رضى، ١٣٧١.
٧. تهرانى، آقابرگ، الذريعه الى تصانيف الشيعة، بيروت: دارالاضواء، بى تا.
٨. جزرى، على بن اثير (م ٦٣٠)، الكامل فى التاريخ، بيروت: دارصادر، ١٣٨٥ق.
٩. حسين بن يحيى، عبيدلى، اخبار الزينبات، قم: نشر محمدجواد مرعشى نجفى، بى تا، ١٤٠١ق.
١٠. حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت: داراحياء التراث العربى، بى تا.
١١. رجال نجاشى، تحقيق آيت الله شيبيرى زنجانى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٦ق.
١٢. زاهدى، سيد ياسين، بررسى احوال فرزندان امام موسى كاظم 7، قم: انتشارات جامعه المصطفى، ١٣٩٠.
١٣. سبط بن جوزى، تذكره الخواص، قم: نشر رضى، ١٤١٨ق.
١٤. سخاوى، على بن احمد، تحفه الاحباب و بغيه الطلاب فى الخطط و المزارات، القايره: مكتبه الكليات الازهرية، ١٤٠٦ق.

۱۵. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. شوشتری، محمدتقی، رساله فی تواریخ النبی و الآل، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۲۳ق.
۱۷. \_\_\_\_\_، قاموس الرجال، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۹ق.
۱۸. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۹. شیخ طوسی، محمد بن الحسن (م ۴۶۰)، فهرست، تحقیق جواد قیومی؛ بی جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۲۰. شیخ مفید (م ۴۱۳)، ارشاد، بیروت: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰)، تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوك)، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث العربی، بی تا.
۲۳. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام الکاظم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ق.
۲۴. فاطمی، سیدحسن، بررسی اعتبار کتاب اخبارالزینبات، مجله کتاب های اسلامی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴.
۲۵. فخر رازی، محمدبن عمر (م ۶۰۶)، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۹ق.
۲۶. فقیه گیلانی، محمهدی، انوار پراکنده، قم: مسجد جمکران، ۱۳۷۶.
۲۷. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام موسی بن جعفر 7، بیروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ق.
۲۸. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، (نوشته در ۳۷۸)، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱.

۲۹. قمی، عباس فیض، گنجینه آثار قم، قم: مهر استوار، ۱۳۴۹.
۳۰. کحّاله، عمر رضا، اعلام النساء، دمشق: مؤسسه الرساله، ۱۳۷۹ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹)، کافی، تحقیق علی اکبر غفّاری، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۳۲. لبیب بیضون، موسوعه کربلاء، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۷ق.
۳۳. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه 3، قم: زائر، ۱۳۸۴.
۳۴. نائینی قمی، محمدعلی، انوارالمشعشعین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۱.
۳۵. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م ۲۸۴)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا.